

هر دو باقند اما کی تواند طعن زد
مردک نی باف بر باقندگان ششتری

داوری شیرازی

فصل دهم سبک دوره بازگشت ادبی

نهضت بازگشت ادبی در شعر فارسی در واقع اعتراضی بود علیه افراط کاری های سبک هندی در مغلقت گویی و پیچیده سرایی که پیش از این شرح آن گذشت. اگر به دیده دقت به این مکتب بنگریم این دوره به سه مرحله قابل تقسیم است به طریق ذیل:

الف: دوره اول، زمان افشاریه و زندیه.

ب: دوره دوم، نیمه اول دوره قاجاریه یعنی زمان آقا محمد خان و فتحعلی شاه تا اواسط سلطنت محمد شاه قاجار.

ج: دوره سوم: نیمه دوم قاجاریه یعنی اواخر دوره محمد شاه و تمام دوره پنجاه ساله ناصری و اوایل سلطنت مظفرالدین شاه تا انقلاب مشروطیت. در بررسی خصایص سبکی دوره بازگشت بیان نکات ذیل ضروری است:

۱- سبک هندی در این دوره به یکبارگی از شعر فارسی رخت برن بست و این خود بسیار طبیعی بود که سبکی با آن همه نفوذ و عظمت که حدود دویست سال بر پهنه شعر و ادب فارسی سایه گسترده بود به ناگهان و فوری محو نمی شود بلکه اضمحلال سبک هندی بتدریج صورت گرفت. تا حدودی می توان سیر سبک

هندی را در دوره بازگشت به صورت ذیل ترسیم نمود:

سبک بازگشت ۵۰٪	سبک هندی ۵۰٪	در دوره اول بازگشت
سبک بازگشت ۷۰٪	سبک هندی ۳۰٪	در دوره دوم بازگشت
سبک بازگشت ۹۵٪	سبک هندی ۵٪	در دوره سوم بازگشت

بدین روی می‌توان گفت که در واقع سبک دوره بازگشت حقیقی متعلق است به دوره سوم این مکتب و از این جهت است که وقتی دیوان شاعران دوره اول بازگشت را باز می‌کشاییم نشانه‌های فراوانی از سبک هندی را در آنها می‌یابیم که بعضاً با اشعار شاعران سبک هندی قابل تمایز نیست. (۱) ذیلاً برای نمونه به چند مورد از این نوع اشعار اشاره می‌کنیم:

پس از ما تیره روزان روزگاری می‌شود پیدا

قفای هر خزان آخر بهاری می‌شود پیدا

حزین لاهیجی (۲)

از تنگی دل نیست به لب ره نفسم را یارب کند آگاه که فریاد رسم را

مشتاق اصفهانی (۳)

نقاب مهر رخت گشت ابر تیره زلف فروز دیده عشاق ریخت باران را

عاشق اصفهانی (۴)

نو گرفتار است دل از اضطراب او مرنج

صید در آغاز بستن دست و پای می‌زند

وادی گمگشتگان عشق را خضریم ما

هر که ره گم می‌کند ما را صدایی می‌زند

باز امشب آن سگ کو همنشین آذر است

خسروی لاف محبت با گدایی می‌زند

آذر بیگدلی (۵)

در حیرتم که گل به گریبان چه می‌کند

سیمین تنی که خنده زند بر صفای صبح

با حسن یار دیده حیران چه می‌کند

تا کی طیب تهمت نظاره می‌کنی

طیب اصفهانی (۶)

۲- باید توجه داشت که شاعران دوره بازگشت ابتدا به سبک عراقی روی

آوردند و سپس به سبک خراسانی توجه کردند. از این مطلب چنین بر می‌آید که بازگشت این شاعران به سبک‌های کهن فارسی قدم به قدم و تدریجی بوده است، دوره اول بازگشت دوره تسلط سبک عراقی بود و دوره دوم و خاصه دوره سوم مرحله نفوذ و سلطه سبک خراسانی محسوب می‌شود. البته این امر نیز طبیعی است زیرا که سبک عراقی از نظر زمانی به سبک بازگشت نزدیکتر است و سبک خراسانی دورتر. شعر شاعرانی چون قانئ شیرازی، سروش اصفهانی، فتح علی خان صبا، محمودخان ملک الشعراء کاملاً رنگ و بوی سبک خراسانی دارد و اشعار فرخی سیستانی، منوچهری دامغانی و عنصری بلخی را به یاد می‌آورد.

۳- به تعاقب مطلب بالا باید گفت که در مکتب بازگشت ابتدا غزل مورد توجه قرار گرفت سپس قصیده زیرا که سبک عراقی با غزل هماهنگ است و سبک خراسانی با قصیده شاعرانی مثل: مشتاق، عاشق، آذر بیگدلی، صباحی بیدگلی اغلب در غزل طبع آزمایی کرده‌اند و شاعرانی چون: قانئ و سروش بیشتر در قصیده تبخّر دارند.

۴- البته قوالب دیگر شعری مثل: قطعه، رباعی، مسمط و مخصوصاً مثنوی نیز در تمام ادوار سبک بازگشت رواج دارد، مثنوی‌های فراوانی در این دوره ساخته شد مثل مثنوی‌های: آذر بیگدلی، فتح خان صبا، نشاط اصفهانی، وصال شیرازی و سروش اصفهانی. این مثنوی‌ها از نظر کمیت حجم زیادی دارند اما اغلب آنها از نظر کیفیت چندان مطبوع و والا نیستند. مسمط سازی و همچنین ساختن ترکیب بند در دوره سوم بازگشت رواج درخشانی پیدا کرد و نمونه عالی آن را می‌توانیم در دیوانهایی چون: دیوان سروش، قانئ و وصال شیرازی بیابیم. این ترکیب بندها اغلب با موسیقی کلام و ترنم زیبایی آمیخته شده است که شاید بتوان از این دیدگاه ترکیب بندهای قانئ را از دیگران برتر دانست.

در دوره بازگشت ترجیع بند عرفانی و بسیار مشهور و زیبای هاتف اصفهانی با بیت ترجیع:

که یکی هست و هیچ نیست جز او وحده لا اله الا هو (۸)

نیز خودنمایی می‌کند که از ذخایر خوب گنجینه ادب فارسی است. در دوره سوم بازگشت و در دوره قاجاریه مرثیه سرایی نیز رونق و رواج بسزایی دارد که

بحث دقیق آن خود کتابی مستقل را می‌طلبد.

۵- مطلب بسیار مهم در سبک دوره بازگشت بررسی دیدگاههای مختلفی است که صاحب‌نظران در باب این سبک و این دوره ابراز کرده‌اند. این مکتب از مکاتبی است که عده فراوانی به نقد آن پرداخته‌اند. بعضی از ادبا به تعریف و تمجید فراوان از آن زبان گشوده‌اند و به دنبال آن سبک هندی را نکوهش کرده‌اند و بعضی دیگر جنبه اعتدال را پیش گرفته و بعضی نیز از آن به بدی یاد کرده و انتقادهای نموده‌اند. یکی از کسانی که به انتقاد از سبک دوره بازگشت پرداخته است ادوارد برون است، وی چنین نوشته است: «از نظر ادبیات شاید این قرن (قرن دوازدهم) از بی‌حاصلترین قرنهای تاریخ ایران است زیرا تا آنجایی که نگارنده اطلاع دارد تنها شعر قابل ملاحظه‌ای که در این دوره به وجود آمده است ترجیع بند معروف هاتف اصفهانی است»^(۸) البته منظور ادوارد برون بیشتر مربوط می‌شود به شاعران دوره اول بازگشت (دوره افشاریه و زندیه). یکی از صاحب‌نظران که زبان به ستایش مکتب بازگشت و نکوهش سبک هندی گشوده است استاد ملک الشعرای بهار است. وی هم در دیوان شعرش و هم در سری مقالاتی که در باب سبک‌شناسی شعر فارسی در مجله ارمغان انتشار می‌داد به نقد این مکتب پرداخته است از جمله می‌نویسد: «... بالاخره در عصر صفویه سبک شعر خاصی پیدا شد که در مدت دو‌یست سال دوام یافت که آن را به اصطلاح امروز سبک هندی می‌نامند. در سبک مزبور گاهی قصاید ساده گفته می‌شد و گاهی غزل و قطعه قصیح به نظر می‌رسید ولی غالباً طرز و رویه‌ای که با وجود سستی الفاظ و تدنی معانی از کثرت استعاره و مجاز و خیالبافی از حلیه بلاغت و زیبایی حقیقی عاری بود قوت گرفت... در آغاز قرن ادبی ما شعرای عراق این اساس را برچیدند»^(۹) آنگاه مرحوم بهار در این باب نقدی از عبدالرزاق خان دنبلی (از کتاب حدائق الجنان) نقل می‌کند: «چون بساط چمن نظم از اقدام خیالات خام شوکت و صایب و وحید و مایشابه بهم و از استعارات بارد و تمثیلات خنک لگد کوب شد و یکبارگی از طراوت و رونق افتاد و مشتاق به تماشای گلزار نظم آمده و طومار سخن سرایی آن جمع را چون غنچه به هم پیچید و بساط نظمی که خود در آن صاحب سلیقه بود و آن روشن ضمیری و نظری است بگسترانید. بر سر شاخسار سخن نواها ساخت و نغمه‌ها پرداخت عندلیبان خوش

نوای عصر او را مقتفی آمدند، آذر شاگرد اوست...» (۱۰)

ملک الشعراى بهار در دیوان اشعار خویش نیز در ضمن شعری که به نقد تاریخ شعر فارسی پرداخته است در باب مکتب بازگشت چنین سروده است:

زان سبب شد سبک هندی مبتذل گشت پیدا در سخن عکس العمل
شد تتبع وجه حل

بحث بعد الموت شد مقبول عام نوبت تقلید آمد در کلام
یافت این معنی دوام

چاپ شد آثار استادان پیش شاعران را تازه شد آیین و کیش
سبکها شد گرگ و میش (۱۱)

زین العابدین مؤتمن در کتاب تحول شعر فارسی اعتقاد دارد که شعرای دوره بازگشت در انجام مقصود خویش زیاد توفیق حاصل نکردند (۱۲) البته منظور او بیشتر دوره اول و تا حدودی دوره دوم است زیرا او به شاعران دوره سوم بازگشت علاقه نشان داده است و بالاخص به صبا و قآنی عشق می‌ورزد، در این باب چنین نوشته است:

«حتی بعضی از آنان مانند صبا و قآنی از خود مکتبی داشتند و سبک و روش آنها مدتها مورد تقلید گویندگان دیگر بود» (۱۳) استاد دکتر شفیعی کدکنی در کتاب ادوار شعر فارسی در این باب نظری عکس نظر قبلی دارد وی می‌نویسد: «وقتی می‌گوییم دوره قبل از مشروطیت در این دوره اسم‌هایی که به یاد انسان می‌آید - یعنی چهره‌های برجسته‌اش هر چند اینها چندان برجسته هم نیستند - چهره‌های مکرر و زایدی است که می‌توان این دوره را (عصر مدیحه‌های مکرر) نام گذاشت. اگر شعر چهره‌هایی مثل صبای کاشانی سروش اصفهانی، یغمای جندقی، قآنی شیرازی را - که قله‌های ادب منظوم این دوره هستند - در نظر بگیریم، شخص مطلع به راحتی می‌تواند از اینها صرف نظر کند و اینها را از تاریخ تکامل شعر فارسی کنار بگذارد زیرا اینها در حقیقت کاریکاتور شعرای قرن پنجم و ششم هجری اند. (۱۴) آقای احمد خاتمی در کتاب «پژوهشی در سبک هندی و بازگشت ادبی» در باب دوره بازگشت (مخصوصاً دوره اول آن) چندان نظر مساعدی ندارد و بدین گونه بیان می‌کند: «چنین نظر داده شده است که شعرای دوره بازگشت ادبی به دلیل اینکه نمی‌توانستند به سبک هندی شعر بگویند به تئوری بازگشت روی آوردند (۱۵) و می‌گویند آنان حتی در سبک عراقی و خراسانی نیز ناموفق بودند. بعضی نیز در این

بحث جانب اعتدال را در پیش گرفته‌اند از آن جمله نظر مرحوم دکتر عبدالحسین زرین کوب در کتاب سیری در شعر فارسی قابل توجه است، وی نهضت دوره بازگشت را در واقع نوعی واکنش شعرای عصر دانسته است در مقابل هرج و مرج‌های اجتماعی اواخر عهد صفوی و چنین می‌نویسد: «ترک شیوه شعر معمول متأخران عهد صفویه و بازگشت به اسلوب قدما که دوران فراموش شده آنها در نظر ارباب هنر مثل نوعی (بهشت گمشده) مورد آرزو بود مطمح نظر مستعدان عصر تازه واقع گشت و بدین گونه کسانی مانند آذر بیگدلی، هاتف اصفهانی و صباحی کاشانی... از طریق ممارست طولانی در آثار قدما، در بازگشت به سبک بیان آنها پناهگاه تازه‌ای برای فرار از واقعیت‌های ملال‌انگیز عصر پر هرج و مرج خویش پیدا کردند و این بازگشت به اسلوب قدما در عین حال تعبیری از آن آرزوی نهفته بود که جستجوی قانون و نظم و انضباط را در ایام غلبه فترت و اختلال در اذهان مطبوع و شیرین جلوه می‌داد و تمسک به سنت و قاعده را در شعر و شاعری انعکاس اندیشه و آرزویی نشان می‌دهد که استقرار نظم و احیاء سنت گذشته را، تنها وسیله‌رهایی از اغتشاش و اختلال حاکم بر محیط می‌یابد» (۱۶) یکی دیگر از کسانی که در این باب نظری معتدلانه دارد دکتر محمد ریاض است وی در کتاب نفیس «اقبال لاهوری و دیگر شعرای فارسی گوی» چنین بیان داشته است: «از اواخر قرن دوازدهم هجری شعرای دارالحکومه اصفهان به بازگشت ادبی پرداختند تا از پیچیدگیهای سبک هندی، برهند و مضامین و موضوعات را در زبان ساده و رسا بیان نمایند. کیفیت مساعی ادبی شعرای اصفهانی و تغییر سبک هندی به سبکهای گذشته (سبک خراسانی در اشعار وصفی و سبک عراقی در اشعار تغزلی و عشقی) را در سبک‌شناسی استاد فقید محمد تقی (ملک الشعراء) و نیز در سبک خراسانی در شعر فارسی تألیف استاد دکتر محمدجعفر محجوب می‌توان دید در ایران اگرچه تجارب شعر آزاد و شعر سفید و غیره هم در جریان است ولی بیشتر همین دوره سبک بازگشت ادبی آن هم تداول دارد» (۱۷) مرحوم ادوارد برون اگر چه در باب دوره اول بازگشت - چنانکه قبلاً بیان شد - نظری مخالف دارد و آن را نمی‌پسندد اما در باب دوره‌های دوم و سوم بازگشت نظری معتدل دارد و در این باره خوب به نقادی پرداخته است و به دو جنبه موافقین و مخالفین آن اشاره کرده است و چنین می‌نویسد: «این نکته را از دو قطب مخالف می‌توان ثابت کرد از یک سو شبلی چنانکه دیده‌ایم معتقد است که شعر فارسی که با رودکی آغاز گشته با صائب به پایان رسید و قآنی و دیگر شاعران جدید سبک شاعران متقدم به ویژه

فرّخی و منوچهری را تقلید کرده‌اند، رضا قلیخان نیز همین نظر را دارد ولی برداشتش از قصیده نوع دیگری است. طبق نظریه رضا قلیخان شعر فارسی از مدتها پیش شروع به انحطاط کرده و در پایان دوره ماقبل قاجار کاملاً منحط شده بود. شاعران آغاز دوره قاجار از اینکه نخواستند آرمانهای شاعرانی را که بلافاصله قبل از آنان می‌زیستند سرمشق قرار دهند و در عوض به سبکهای متقدم بازگشت کردند کار درستی را انجام دادند از میان شاعران متقدم می‌توان بویژه از خاقانی، عبدالواسع جبلی، فرخی، منوچهری، رودکی، قطران، عنصری، مسعود سعد، سنایی، جلال الدین رومی، ابوالفرج رونی، انوری، اسدی، فردوسی، نظامی، سعدی، ازرقی، مختاری، معزی، لامعی، ناصر خسرو و ادیب صابر نام برد. (۱۸)

از مجموعه نقدهای بالا و امثال آنها که در باب محاسن و مقابح سبک دوره بازگشت شعر فارسی انجام پذیرفته است معلوم می‌شود که این مقوله هنوز در ادب فارس جای بحث و کاوش و تحقیق دارد و جای آن است که خود کتابی مستقل و عالمانه درباره آن نوشته شود ضمناً باید بر این نکته نیز تأکید شود که سبک دوره افشاریه و زندیه و سبک دوره قاجاریه هر چند که هر دو تحت عنوان مکتب بازگشت مطرح شده‌اند اما باید هر یک جداگانه مورد بررسی و نقادی قرار بگیرند، زیرا وجوه تمایز آنها آنقدر هست که خود یک مقوله دیگر محسوب شوند. (۱۹)

همچنین دیوان شعرایی چون: قآنی، سروش، فتحعلی خان صبا، محمود خان ملک الشعراء و قائم مقام فراهانی علاوه بر ارزشهای ادبی فواید فراوان تاریخی نیز دارد و می‌تواند جزو منابع خوب مطالعات تاریخ معاصر ایران نیز قرار بگیرد.
